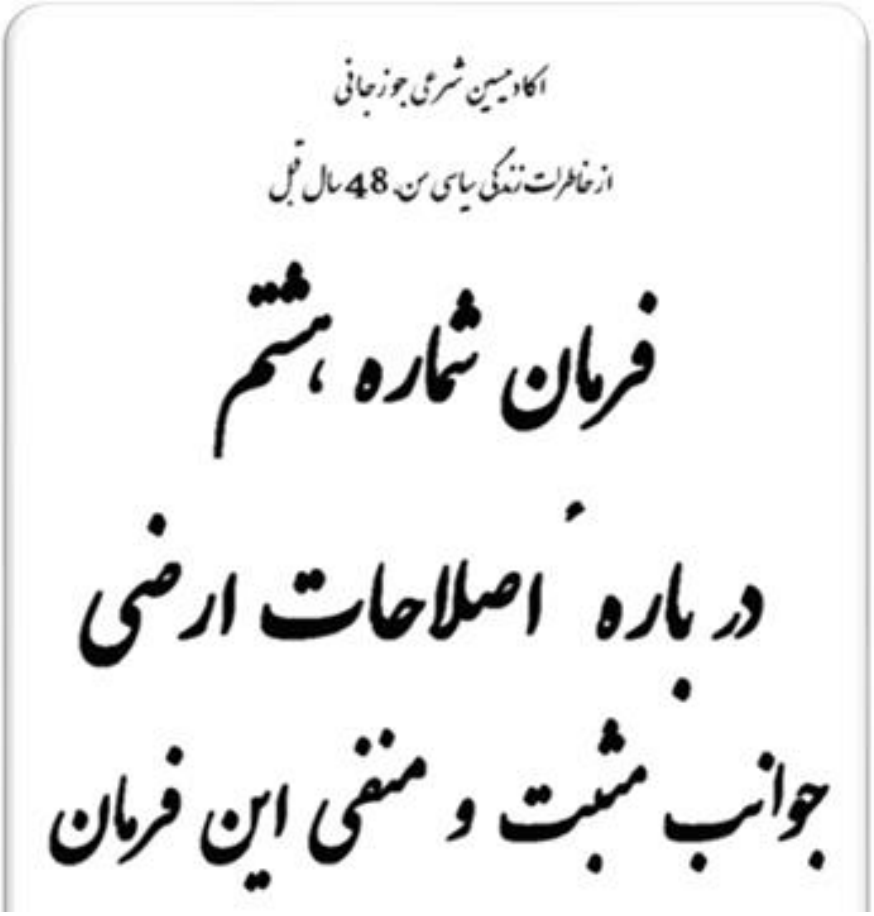


قسمت سوم

... بنابرآن از نظرما فرمان شماره هشتم که به غرض ازبین بردن بقایای نظام فیودالی در مناسبات ارباب رعیتی کشور آغازگر یک ریفورم انقلابی است و بعد از تصویب شورای انقلابی و توقیع رئیس دولت و نشر آن در جریدهٔ رسمی حیثیت قانونی پیدا میکند، از چند نقطهٔ نظرقابل بحث و تآمل است: نخست این که، در افغانستان بسیاری از خانواده ها اراضی موروثی را ترکه و تقسیم قانونی نکرده اند و بر اساس جورآمد خانواده ها زمینهای موروثی بین شان منقسم است و تمام

وارثین از حصه های خود که سند ملکیت ندارند استفاده میکنند اما مجموع اراضی به نام یک یا دونفر ثبت میباشد.
اگر اراضی آنها مشمول اصلاحات شود، بر طبق فرمان فقط هر یک از دونفر که زمین به نام شان ثبت است، مستحق 30 جریب زمین میشود و متباقی از آن محروم میمانند.
طبیعی است که اعضای دیگر این خانواده ها که تعدادشان در برخی مناطق به صدها نفر میرسد، همه برضد اصلاحات ارضی قرار میگیرند.
دوم اینکه، یکی از مسایل اساسی مربوط به زمین یعنی مسئلهٔ آبیاری به صورت دقیق و درست حل نشده. چون مالکان سابق اراضی، با میرآبها مناسبات متقابل داشتند و در نوبت آب از همکاری آنها مستفید میشدند، وقتیکه قطعات زمین در اختیار دهقانان قرار میگیرد، آنها نمیتوانند ازین همکاری مستفید شوند و ممکن است مزارع از بی آبی و یا قلت آب بسوزد.
سوم این که، دهقانانی که مالک زمین میشوند تخم و وسایل تولید از قبیل گاوهای قولبه و لوازم آنرا در اختیار ندارند. چون اکثر شان بی بضاعت و یا کم بضاعت استند، نمیتوانند تخم قابل زرع و وسایل تولید را تهیه کنند، بنابرآن اراضی تقسیم شده بدون کشت میماند و این هم به ضرر دهقان و هم به ضرر دولت است و مالیات زمین را پایین می آورد.
چهارم این که، ضمن عباراتی برای ماموران موظفِ تطبیق اصلاحات ارضی صلاحیت قضایی داده شده، یعنی آنها میتوانند منازعاتی را که در جریان اصلاحات به وجود می آید، حل و فصل قضایی نمایند. این ضعیفترین نقطهٔ فرمان است که باید برآن تجدید نظر صورت گیرد. زیرا چون مامورین موظف از قوانین نافذ اطلاع ندارند، نمیتوانند احکام قضایی صادر کنند. بنابرآن یک سلسله احکام غیر قانونی در سراسر کشوراز طرف

مامورین موظف صادر میشود و این منجر به آن خواهد شد که نظام قانونی در مملکت مختل شود و این عواقب ناگواری درپی خواهدداشت.
ریاست تقنین وزارت عدلیه میتواند در تکمیل متن فرمان شماره هشتم با وزارت زراعت همکاری کند.
متن یادداشتهای کمیسیون موظف با امضای وزیرعدلیه به وزارت زراعت فرستاده شد. اما تدوین کنندگان فرمان به شمول مشاورین شوروی این پیشنهادها را نپذیرفته و گفته اند که این اصلاحات ماهیت انقلابی فرمان را ضعیف میسازد.
وزیر زراعت باردیگر بامن تماس گرفته گفت چون متن فرمان زیر نظر مشاورین شوروی که از صلاحیت و تجارب کافی برخوردارند تهیه گردیده، لازم است تا وزارت عدلیه زودتر آنرا تصدیق نماید.
من گفتم رفیق زیری، درین شکی نیست که مشاوران کشور دوست صلاحیت قانونگذاری دارند، اما از شرایط خاص کشورما و مناسبات اجتماعی و اقصادی مردم ما اطلاع کافی ندارند.
من به او گفتم به طور مثال ما ازدستهٔ سه نفری مشاورین عدلیه و قضا خواستیم تا در تهیهٔ «قانون کار و کارگر» به ما کمک کنند، آنها بدون در نظرداشت شرایط افغانستان که اتحادیه های صنفی و کوپراتیفهای زراعتی در آن موجود نیست، قانون کار اوزبیکستان شوروی را با کمی تعدیلات در اختیارما گذاشتند. چون قسمت اعظم این قانون در افغانستان زمینهٔ تطبیق نداشت، ما تقریبا 80 فیصد آنرا تعدیل و با شرایط موجود هماهنگ ساختیم و این موجب آزردگی آنها گردید.
چون این پروسه خیلی دوام کرد، وزیر زراعت به تره کی گفته بود که وزارت عدلیه در تصدیق آن مشکل دارد.

تره کی تیلفونی از من پرسید که تصدیق متن قانون چرا به تعویق می افتد؟ من گفتم: رفیق تره کی، متن فرمان کمبودیهایی دارد که تطبیق آن مشکلات خلق میکند و نظر کمیسیون را درین زمینه برایش توضیح دادم و علاوه کردم مخصوصا دادن صلاحیت قضایی به ماموران اصلاحات ارضی که فاقد صلاحیت قانونی هستند، نظام حقوقی مارا برهم میزند و پرابلمهای زیاد به وجود می آورد.
تره کی که به شروع اصلاحات ارضی عجله داشت کفت در آن صورت ما شورای انقلابی را دایر میکنیم و شما پیشنهادهای خود را در شورای انقلابی طرح کنید.
چند روز بعد جلسهٔ شورای انقلابی تشکیل شد و ازمن خواستند تا اعتراض و پیشنهادهای خود را ارائه کنم.
گفتم محترم رئیس و اعضای محترم شورای انقلابی!
یکی از خصوصیتهای مهم هر قانون این است که باید جامع و مانع یعنی دارای خصوصیت جامعیت و مانعیت باشد. در متن فرمان اصلاحات ارضی که بعد از تصویب شورا و توشیح رئیس شورای انقلابی ماهیت قانونی پیدا میکند، صلاحیت قضایی به موظفین اصلاحات ارضی داده شده یعنی آنها میتوانند دعاوی و شکایات حقوقی وارده را حل وفصل نمایند و حال آن که سمع شکایات و دعاوی حقوقی بر طبق قانون از صلاحیت خاص محکمه و قاضی با صلاحیت میباشد. چون مامورین موظف با احکام قانون آشنایی ندارند، فیصله های شان اعتبار قانونی نمیداشته باشد. اگر صدها فیصله به مقیاس سراسر کشور صادر گردد، در آینده برای ارگانهای عدلی و قضایی مشکلات زیاد ایجاد میکند و نظام حقوقی دولت را مختل میسازد.

همچنان توضیح دادم که چون اکثر دهقانان مستحق زمین تخم برای کشت و و سایل تولید در اختیار ندارند، نمیتوانند اراضی بدست آوردهٔ خود را زرع نمایند و این باعث پایین آمدن سطح تولید و مالیات اراضی میگردد که هم به ضرر دهقان و هم به ضرر دولت است.
ضمن تذکر از ناکافی بودن حد اقل مالکیت زمین (5 جریب زمین درجه اول ومعادل آن) و نیز حد اکثرآن (30 جریب زمین درجه اول و معادل آن) که وسیعا عکس العمل درپی خواهد داشت، یادآور شدم چون مسئله آب و آبیاری زمینهای آبی زراعتی دقیقا حل نشده، دهقانان را دچار مشکلات میسازد و ملاهای متعصب و عناصرارتجاعی به تحریک عوامل خارجی بر آن برچسب غیر دینی میزنند و پیشنهاد کردم که متن فرمان به اشتراک متخصصان حقوق وزارت عدلیه با متخصصان وزارت زراعت مورد ارزیابی قرار گرفته بادر نظر داشت شرایط اجتماعی افغانستان خلای قانونی آن رفع گردد.
جلسهٔ شورای انقلابی خیلی دوام کرد و پیرامون موضوعات مطروحه مباحثات زیادی صورت گرفت. عدهٔ زیادی طرحهای وزارت عدلیه را بجا و منطقی ارزیابی کردند، اما رفیق تره کی اصرار داشت که بدون تردید دهقانان از ریفورم ارضی حمایت میکنند و امین هم طرفدار نظریات مشاورین شوری بود. سر انجام بعد از آن که یک سلسله تعدیلات در متن فرمان شماره هشتم وارد گردید و صلاحیت قضایی موظفین حذف شد، فرمان اصلاحات ارضی به اتفاق آرا تصویب گردید و بعد از توشیح رئیس شورای انقلابی در شماره11 جدی سال 1357(دسامبر 1978) جریده رسمی وزارت عدلیه به نشر رسید.
دوام دارد